

## تربیت شهروندی از منظر پسا ساختار گرایی

رکسانا رشیدپور<sup>۱</sup>، دکتر محمدرضا سرمدی<sup>۲</sup>، دکترژیلا مشهدی<sup>۳</sup>، دکتر فائزه ناطقی<sup>۴</sup>

۱- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

۲- استاد دانشگاه آزاد اسلامی اراک

۳- استادیار دانشگاه آزاد اراک

۴- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی اراک

### چکیده

شناسایی تربیت شهروندی از منظر پسا ساختار گرایان هدف اصلی این پژوهش بوده است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و ناظر به بررسی متون و نوشته ها و منابع فلسفی و آثار مرتبط با اندیشه های پسا ساختار گرایان بوده است. به این منظور محتوای کتاب ها و منابع الکترونیکی حاوی اندیشه های اندیشمندان پسا ساختار گرا، مولفه بندی و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و ابزار فیش برداری بوده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش تحلیل اسنادی استفاده شده است. مهم ترین نتایج تحقیق عبارتند از: اندیشمندان پسا ساختار گرا، نظام آموزشی مدرن را به شدت مورد انتقاد قرار داده اند و مدارس را در تربیت شهروندانی که قادر به اعمال قدرت بر زندگی خودشان باشند مسئول می دانند. اهداف تربیت شهروندی شامل: تربیت شهروندان انتقادی، فراهم کردن شرایطی برای برقراری دموکراسی رادیکال؛ توجه بر گفتمان سازنده ی دانش و خود آفرینندگی و ... است. برنامه درسی تربیت شهروندی دارای ویژگی هایی نظیر، افزایش آگاهی فرهنگی، تاریخی، سیاسی، بوم شناختی، زیبایی شناختی و الهیاتی، تربیت تحولی، توانایی دانش آموزان برای سازمان دادن، ساختن و سازماندهی، برنامه درسی بین رشته ای و ... است. روش های آموزش تربیت شهروندی روشهایی همچون، ساخت شکنی، شبیه سازی گفتمان و فراتحلیل، یادگیری گروهی و همیارانه و یادگیری مستقل در کنار یادگیری تعاملی است. روش سنتی ارزشیابی، باید تغییر کند و تمرکز روی گفتگو و کیفیت پژوهش صورت گیرد. دانش آموزان نیاز به فهم قوت و غنای سنت های فرهنگی دیگر و صداهای مختلف دارند. هیچ تعریف دقیقی از دانش آموز آرمانی وجود ندارد و مفهوم امتحان و نمره عینی در مدرسه جایی ندارد و توجه بر ابعاد هنری، ناعقلانی، شهودی و نمایشی فرد در فرایند یادگیری ارزشمند است.

**کلید واژه:** تربیت شهروندی، پسا ساختار گرایی، پست مدرنیسم، میشل فوکو، ژاک دریدا